

## سخنرانی خانم فاطمه صبور مهاجر

معاون آموزشی و توانبخشی سازمان  
آموزش و پرورش استثنایی کشور

قبل از ورود به بحث در زمینه مقایسه آماری بین دختران استثنایی قبل از انقلاب و بعد از آن، مختصری در زمینه آموزش و پرورش غنچه‌های نو شکفته‌ای که خزان‌گذاران زمان در عبور خود اثری بوجود آنان باقی می‌گذارد و استثناء را می‌سازد می‌گویم. از آموزشی صحبت می‌کنم که سعی در بازتوانی و نوتوانی این عزیزان دارد تا به جامعه عادی نزدیک شده و ضمن سازگاری با آن به خودکفایی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دست یابند.

در هر جامعه‌ای تعدادی از کودکان دارای معلولیت و یا محدودیتهایی هستند که قادر به استفاده از آموزش عادی نمی‌باشند، بنابر آمار سازمان علمی فرهنگی یونسکو بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از کودکان واجب‌التعلیم به نوعی استثنایی هستند. کودکان عادی اعم از دختر و پسر به تناسب توانایی خود قادر به بهره‌مند شدن از آموزش عادی می‌باشند؛ حتی اگر میزان بهره‌وری آنان از آموزش محدود باشد باز هم به نوعی استقلال دست می‌یابند.

ولی دانش‌آموزان استثنایی باید متناسب با توانمندیهای خود آموزش را دریافت نمایند، در نتیجه باید متخصصین و کارشناسان با برنامه‌ریزیهای خاص سعی در جبران کمبود جسمی و ذهنی آنان نموده تا تفاوت‌ها را کاهش دهند و راه ورود به جامعه را برای

آنان هموارتر سازند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که با بررسی نظام آموزشی هر جامعه بویژه با توجه به نظام آموزشی کودکان استثنایی می‌توان ارزشهای حاکم بر آن جامعه را شناخت به عبارتی میزان توجه به کودکان استثنایی نشانه رشد ارزشهای حاکم بر نظام آموزشی آن جامعه است.

سابقه آموزش استثنایی در جهان حدود ۱۰۰ سال بوده و در ایران بیش از ۷۵ سال می‌باشد. یعنی سابقه‌ای که گرچه از نظر زمانی با بعضی از کشورهای اروپایی پیشگام دور است ولی پیوندهای عاطفی علاقه و عشق برخاسته از درون انسانهای متعهد و معتقد به مبانی دینی و الهی فاصله را از بین برده و در حال حاضر اگر در امر آموزش و توانبخشی همسان قدرتهای بزرگ نباشیم ولی با کشورهای اروپایی برابری می‌کنیم.

آموزشی و توانبخشی استثنایی در جهان بعد از جنگ دوم جهانی یعنی بعد از ۱۹۴۵ گسترش یافت تحول در روشها ایجاد شد و نگرش نسبت به کودکان و افراد استثنایی تغییر کرد و راه برای از بین بردن و یا به حداقل رساندن تفاوت‌های فردی گشوده شد.

سازمان علمی فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۶۶ بخش آموزش استثنایی را ایجاد نمود و طی برگزاری جلسات و سیمینارهای علمی در این زمینه ۱۹۸۸ برنامه ۶ ساله توسعه امر آموزش و توانبخشی کشورهای عضو را تا سال ۱۹۹۵ برنامه‌ریزی نمود، از طرفی توانبخشی مبتنی بر جامعه مطرح گردید آموزش تلفیقی و تقویت را بطین به عنوان یک رویکرد جدید علمی در ۱۹۹۱ بیان گردید و امر سنجش و جایگزینی در نظام آموزشی در مجامع بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت.

ایران در بعد از انقلاب همگام با حرکت علمی مجامع بین‌المللی پیش رفته و در بعضی موارد سالها جلوتر بوده در نگاهی به تاریخ آموزش استثنایی در ایران می‌توان آن را به سه دوره تقسیم نمود.

۱- آموزش غیر رسمی مبتنی بر علایق شخصی که بنیان آموزش استثنایی را در ایران گذاشت. نظیر بزرگ مردانی چون جبار باغچه‌بان در ایجاد اولین مرکز ناشنوا در ۱۳۰۲ در تبریز و کشیش آلمانی پاستور آلت کریستوفر که به سال ۱۲۹۹ اولین مرکز نابینایان را در تبریز تأسیس کرد.

۲- آموزش رسمی که با تأسیس دفتر طرح و برنامه‌ریزی آموزشی استثنایی در سال

۱۳۴۷ زیر نظر وزارت آموزش و پرورش صورت گرفت و تا قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۷ با توجه به تاکید سازمانهای بین‌المللی تنها: ۳۵۰ دانش آموز از گروههای ناشنوا نابینا عقب مانده ذهنی و ناسازگار را زیر پوشش برنامه‌ای داشت و تا سال ۱۳۷۰ این آمار به مرز، ۳۵۰۰ نفر رسید.

۳- تشکیل سازمان با توجه به اهمیت دادن نظام جمهوری اسلامی در رفع تنگناهای موجود در جامعه و بالاخص در امر آموزش و بالارفتن سطح آگاهی عمومی و خانواده‌ها در شناخت مشکلات فرزندان خود و عدم توان دفتر برنامه‌ریزی به پاسخگویی مراجعین و داوطلبین امر آموزش در دیماه ۱۳۶۹ اساسنامه تشکیل سازمان استثنایی به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی رسید و عملاً سازمان از بهمن ۱۳۷۰ کار خود را با زیر پوشش بردن ۷ گروه استثنایی آغاز نمود. در حال حاضر بیش از ۵۵ هزار دانش آموز دختر و پسر در سطح کشور زیر پوشش برنامه‌ای آموزش و توانبخشی سازمان هستند یعنی نسبت به سال ۶۹-۶۸ نزدیک به ۷۰ درصد رشد داشته است.

گروههای تحت پوشش دختر و پسر سازمان به تفکیک نوع مشکل عبارتند از:

۱- عقب مانده ذهنی	۲۸۲۱۴ نفر	۵۸/۳٪
۲- ناشنوا و نیمه شنوا	۱۲۵۶۶ نفر	۲۶٪
۳- نابینا و نیمه بینا	۲۴۳۴ نفر	۵٪
۴- اختلالات رفتاری	۵۷۷ نفر	۱/۲٪
۵- معلولین جسمی - حرکتی	۷۷۴ نفر	۱/۶٪
۶- چند معلولیتی	۳۴۰۸ نفر	۷٪
۷- اختلالات یادگیری	۴۲۴ نفر	۹٪

در مجموع از ۴۸۳۹۷ نفر دانش آموز در سال تحصیلی ۷۳-۱۹۱۶۲۷۲ نفر دختر

یعنی ۳۹/۶ درصد و ۲۹۲۳۵ نفر پسر یعنی ۶۰/۴ درصد پسر بودند.

سازمان استثنایی با توجه به اهداف مقدس خود در امر آموزش و توانبخشی این عزیزان برنامه‌ریزی آموزشی و توانبخشی مطابق با نیازهای گروههای مختلف را تدوین نموده و تغییرات اصلاح و بازنگری با توجه به روند روشهای نوین آموزش در کشورهای پیشرفته و مطابق با نیازهای زمانی را ایجاد می‌نماید تا کمبود حسی و ذهنی کودکان

جبران گردد. کمک به پیشگیری از بروز ناتوانیهای جسمی و ذهنی قبل از تولد، هنگام تولد و بعد از تولد از طریق بالا بردن سطح آگاهی عمومی در زمینه عوامل بروز معلولیتها و خصوصیات کودکان استثنایی است.

سازمان استثنایی با زیر پوشش بردن بیش از ۳۵۰ هزار کودک بدو ورود به مدرسه در تابستان ۷۳ سعی در شناخت و جایگزینی صحیح از غنچه‌های تازه بشکفته در نظام آموزشی کشور نمود و جالب است که بدانیم در مرحله اول سنجش مطابق با آمارهای بین‌المللی حدود ۱۲/۶ درصد کودکان مشکل دار جدا شدند که به تفکیک مشکلات عبارت است از:

بینایی ۵ درصد، شنوایی ۳ درصد، آمادگی تحصیلی ۴ درصد، چند معلولیتی ۶ درصد.

و پس از بررسیهای تخصصی ۱/۳ درصد جذب مدارس استثنایی شدند و ۴/۲٪ با دریافت و سایل کمک شنوایی بینایی و ارائه توصیه‌های روانشناختی و یا طی مراحل درمان به آموزش عادی راه یافتند.

بررسی وضعیت دختر بچه‌ها در آموزش استثنایی:

با آنکه آسیب‌پذیری بین دختران و پسران تفاوت چندانی ندارد ولی بانگاهی به آمارهای برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی اجتماعی حقایق روشن می‌شود، با آنکه رشد دختران، تا سال سوم راهنمایی ۸۱ درصد بوده و پسران ۶۱ درصد ولی بازهم به آمار مورد انتظار نرسیدیم، زیرا دختران در مقایسه با پسران بسیار کمترند.

سال	دختر	پسر	کل	درصد دختر	درصد پسر
۶۸-۶۹	۱۰۲۸۶	۱۷۶۹۳	۲۷۹۷۹	۳۷٪	۶۳٪
۶۹-۷۰	۱۲۳۴۸	۲۰۴۴۲	۳۲۷۹۰	۳۸٪	۶۲٪
۷۰-۷۱	۱۳۶۲۴	۲۴۲۱۹	۳۷۸۴۳	۳۶٪	۶۴٪
۷۱-۷۲	۱۵۴۰۲	۲۳۷۲۱	۳۹۱۲۳	۳۹٪	۶۱٪
۷۲-۷۳	۱۸۶۵۷	۲۸۶۸۹	۴۷۳۳۹	۳۹٪	۶۱٪

\* آمار رشد دانش آموزان دختر و پسر در طی برنامه پنجساله اول توسعه

\* درصد رشد دانش آموزان دختر در طی برنامه

سال	دختر	پسر
۶۸-۶۹	-	-
۶۹-۷۰	%۲۰	%۱۶
۷۰-۷۱	%۱۰	%۲۳
۷۱-۷۲	%۱۴	%-۳
۷۲-۷۳	%۱۹	%۱۸

این آمار نشان می‌دهد رشد دختران، در طی دو سال آخر برنامه پنجساله، چشمگیر بوده در حالی که پسران اینچنین نبوده است. در نهایت اینکه ضریب افزایش دختران در پایان برنامه به ۸۱ درصد رسیده است.

بررسیهای آماری در طی برنامه پنجساله توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی یعنی در فاصله سالهای (۷۳-۱۳۶۸) این اطلاعات را می‌دهد.

۱- تعداد دختران نسبت به پسران افزایش یافته است.

۲- ۸۱٪ رشد دختران در سال آخر برنامه نسبت به سال اول برنامه می‌باشد.

۳- در مقایسه جنسیت بین گروههای مختلف استثنایی دختران کمتر از پسران بودند و این شاید ناشی از این حقیقت است که خانواده‌ها به امر آموزش پسر بیشتر توجه داشته و مشکل فرزند دختر را مخفی نگه می‌داشتند.

۴- مقایسه نشان می‌دهد که معلولیتهایی که دارای تابلوی بالینی مشخصی بوده‌اند، بیشتر جذب امر آموزش شدند و برای مثال مشکلاتی نظیر اختلالات رفتاری کمترین آمار دختر را بخود اختصاص داده و در مجموع می‌توان دریافت که:

۱- آگاهی عمومی جامعه نسبت به مشکلات افراد استثنایی افزایش یافته است؛

۲- طرز تلقی اولیاء نسبت به ناتوانیهای فرزند خود تغییر گردد؛

۳- دختران به میزان قابل توجهی جذب امر آموزش شده و تمایل شدیدی در ادامه تحصیل و کسب موفقیت‌های شغلی و اجتماعی دارند.

این موهون یک ریشه در وجود معلم استثنایی است، اعتقاد، عشق، علاقه، عاطفه،

ایثار و از خود گذشتگی و خدا را ناظر گرفتن و برای او قدم برداشتن، ثمره‌اش ایجاد امید به زندگی، امید به بودن و شدن و به فلاح رسیدن، و تقرب و اتصاف به صفات الهی جستن، نگاه را معنا بخشیدن، چشم دل را گشودن، دیده باطن را منور ساختن، از چشم به جای گوشه بهره جستن، کلام را در حرکت دیدن، توانمندیها را به عرصه نمایش گذاشتن و باهم بودن. این است نهایت و این است رشد و این باور در توانمند بودن گروهی است که بندگان خوب خدا هستند.

## درصد گروه‌های مختلف استثنایی به تفکیک پسران و دختران

پسران در سال تحصیلی ۷۲-۷۳		دختران در سال تحصیلی ۷۲-۷۳	
جمعیت	درصد	جمعیت	درصد
۵۳۴	۱/۸۶	۲۴۰	۱/۲۸
۲۲۱۸	۷/۷۳	۱۱۸۴	۴/۳۴
۶۶۲۵	۲۳/۰۹	۵۲۷۶	۲۸/۲۷
۲۹۹	۱/۰۴	۱۲۵	٪۶۶
۱۱۷۶	۴/۱۰	۸۷۱	۴/۶۶
۱۷۳۶۵	۶۰/۵۴	۱۰۸۴۹	۵۸/۱۴
۴۶۵	۱/۶	۱۱۲	۰/۶۰
۸۶۸۲	۹۹/۹۸	۱۸۶۵۷	۹۹/۹۵
		۴۷۳۳۹	